



اغراض السياسة في اعراض الرياسة و ارتباط آن با قراضه طبيعيات

علی صفری آق قلعه

تسمیه کتاب قراضه طبيعيات (قراضه = پاره و ریزه و بریده از چیزی) به این نام نیز مرتبط با این موضوع باشد. لازم به ذکر است که درباره بخشی از این پرسش‌ها، نوع و گونه‌ای خاص از نگارش‌های فارسی وجود دارد اما متنی که به این شکل، به تمامی این موارد در یک جا پرداخته باشد، کم‌تر سراغ داریم. برای نمونه در کتاب‌هایی که به مقوله «آثار علوی» می‌پردازند، به مقولاتی چون رعد و برق و هاله و قوس قزح و اصولاً مظاهر آسمانی طبیعت پرداخته شده؛ یا در برخی از کتاب‌های «چند دانشی» و همچنین کتب مرتبط با موضوع «عجایب المخلوقات» به برخی از این مطالب پرداخته شده که نمونه خوبی از آنها نزهت نامه علائی است. باز گردیم به موضوع اصلی.

در مطالعه‌ای که نگارنده هر از گاهی بر روی کتاب اغراض السياسة في اعراض الرياسة داشت، بتفاریق با مشابهاً موضوعی میان مطالب آن کتاب با پرسش‌های مطرح شده در قراضه طبيعيات و البته پاسخ آنها برخورد. پس از مدتی که شمار این موارد افزایش یافت، این احتمال پدید آمد که شاید نویسنده اغراض السياسة از آن کتاب استفاده کرده باشد و لذا موضوع مقابله دو اثر قوت گرفت و پس از مقابله مشخص شد که ظهیری، حتی در بیشتر مواضع از قراضه طبيعيات حتی به عین عبارت استفاده کرده است.

وی، مطالب برگرفته از قراضه طبيعيات را به صورت پراکنده و البته اکثر آنها را در بخش‌های آغازین متن وارد کرده و پس از آن، به جای این موارد، مباحثی از حساب و هندسه را نقل کرده است. این موضوع، می‌تواند احتمالی را مطرح کند و آن اینکه در آغاز زمانی که وی مشغول تدوین اثرش بوده، نسخه‌ای از قراضه طبيعيات را در دست داشته و مطالبی از آن را داخل متن کرده و بعد متنی در ریاضیات به دستش رسیده و همین کار را در مورد آن انجام داده.

نام محمد بن علی الظهیری الکاتب السمرقندی، معمولاً با یادی از کتاب مشهورش سندبادنامه همراه است، اما از این نویسنده توانای سده ششم، اثری دیگر با عنوان اغراض السياسة في اعراض الرياسة برجای مانده که هر چند از نظر ارزش ادبی به پای سندبادنامه نمی‌رسد، اما در جای خود اثری بسیار ارزشمند است.

اغراض السياسة حاوی کلمات قصار و گفته‌هایی حکیمانه از برخی بزرگان، بخصوص پادشاهان و خلفا و به عبارتی اهل سیاست است و از این منظر با آثاری چون جاویدان خرد مسکویه رازی شباهت زیادی دارد؛ منتها، توانایی ظهیری در پرداختن موضوعات و همراه کردن آن‌ها با برخی حکایات و شمار کثیری از امثال و ابیات و البته چاشنی صنایع لفظی و معنوی، متن را از آن حالت خشک و بی‌روح خارج کرده و به مرز متون ادبی وارد ساخته است.

در اینجا قصد مقایسه اغراض السياسة با آثار مشابه در میان نیست؛ بلکه می‌خواهیم برخی تشابهات این متن را با کتاب قراضه طبيعيات بررسی کنیم و لذا جادارد پیش از ورود به مطلب اصلی، مختصر توضیحی هم درباره قراضه طبيعيات بنویسیم.

قراضه طبيعيات متنی است به شیوه پرسش و پاسخ که در آن، سؤالاتی درباره وقایع و موضوعات طبیعی مطرح گشته و به آنها پاسخ داده شده است. این پرسش‌ها، در طبقه‌بندی علوم گذشته جزء شاخه طبيعيات (حکمت طبیعی) محسوب می‌شود، اما در متونی که به مباحث طبيعيات پرداخته‌اند، از این پرسش‌ها کم‌تر اثری می‌یابیم. دلیلش را شاید بتوان در ساختار خاص این پرسش‌ها جستجو کرد. این پرسش‌ها، شامل مواردی جزئی و اختصاصی از مظاهر عینی طبیعت است، در حالی که در کتاب‌های مربوطه، مقوله طبيعيات بیشتر از منظر فلسفی مورد بررسی قرار گرفته است. شاید



مطلب دیگری که قابل ذکر است اینکه وی در نقل مطالب قراضه طبیعیات - شاید برای پی گم کردن - ترتیب مباحث را رعایت نکرده و از میان سوالات آن کتاب، فقط تعدادی را برگزیده است و نه تمامی آنها را. در اینجا دو نمونه از مطالبی را که تشابه عبارت هم دارند می بینیم:

* اغراض السیاسة (ص ۵):

«سبب ابر و باران و رعد و برق چیست؟ حکما گفتند: آنها الملك! سحاب، کونی است از اکوان طبیعی... و آنچه ارضی باشد، به سبب تخلخل اجزاء و حرارت ملطف نتواند به سرعت مر جسم هوا را خرق کردن؛ آنجا بماند تا به تدریج منحل و مضمحل شود و آن را به تازی جهام خوانند.»

* قراضه طبیعیات (ص ۱۱۰):

«سبب رعد و برق و باران که از ابر پدید آید چیست؟ جواب: سحاب کونیست مرکب همچون دیگر اکوان طبیعی... و آنچه ارضیت اوست از تخلخل اجزا و لطافت او هوا را زود خرق نتواند کرد؛ بماند تا به تدریج منحل گردد و آن را تازیان جهام گویند...»

* اغراض السیاسة (ص ۷۶):

«چرا چون سرکه بر زمین ریزی، بر جوشد و قبه‌ها شود؟ جاماسب گفت: آنها الملك، از بهر آنکه سرکه لطیف و غواص است؛ چون بر زمین ریزی، در مسام زمین غوص کند و به منافس او فرو شود؛ لامحاله منافس و مسام از هوا ممتلی بود و سرکه الحاح کند بر هوا؛ هوا قصد ارتفاع کند سوی بالا و برآید...»

* قراضه طبیعیات (ص ۱۱۵):

«چراست که سرکه بر زمین همی بریزی بر جوشد؟ جواب: از بهر آنرا که سرکه لطیفست و غواص؛ چون بر زمین ریخته آید، زود غوص کند و به منافس زمین رود و این منافس زمین ممتلی است از هوا، چون سرکه الحاح کند بر هوا، هوا قصد اندفاع کند تا بسوی علو برآید»
دیگر موارد نیز علاوه بر یکسانی موضوعات، شباهت

واژگانی بسیار نزدیکی به یکدیگر دارند ولی به دلیل طولانی شدن مطلب، فقط به ذکر جایگاه آنها در دو متن اکتفا می کنیم:

* اغراض السیاسة (ص ۴۴): «چراست که چون سراب دیده شود، در دشت از آن سوی، او که دورتر است، زمین نبیند و سراب بیند؟» ر ش: قراضه طبیعیات (ص ۱۱۵)

* اغراض السیاسة (ص ۶۲): «از بوعلی بیهقی پرسید که سبب مجره چیست؟» ر ش: قراضه طبیعیات (ص ۱۱۴)

* اغراض السیاسة (ص ۷۶): «گفت: چراست که چون مردم بمفاجاز دشمنی بگریزد، سوی چپ زیادت از آن گریزد که سوی راست؟» ر ش: قراضه طبیعیات (ص ۲۵)

* اغراض السیاسة (ص ۷۷): «پرسید که فایده برگ درختان چیست؟» ر ش: قراضه طبیعیات (ص ۴۶)

* اغراض السیاسة (ص ۷۷): «پرسید چراست که به شب دست بر جامه شسته مالی و بر پشت گریه، شراره بیرون جهد؟» ر ش: قراضه طبیعیات (ص ۸۳)

* اغراض السیاسة (ص ۷۷): «پرسید چراست که ذرات هوا را در خانه بتوان دید و به صحرا نتوان دید؟» ر ش: قراضه طبیعیات (ص ۸۵)

* اغراض السیاسة (ص ۷۷): «پرسید چراست که چون چراغ فروشنیند، برافروزد و روشن گردد پس فرومیرد؟» ر ش: قراضه طبیعیات (ص ۹۴)

* اغراض السیاسة (ص ۹۷): «پرسید چراست هر حیوان که سرو دارد، دندان زیرین ندارد؟ و چراست که بعضی حیوان گوش بجنیانند و آدمی نجنیانند؟»

برای سؤال اول ر ش: قراضه طبیعیات (ص ۲۶)؛ و برای سؤال دوم: ر ش: قراضه طبیعیات (ص ۱۶).

اغراض السیاسة (ص ۱۷۷): «پرسید چرا مورچه را قوت حس شم زیادت است و کرکس را قوت حس بصر بیشتر؟»
در قراضه طبیعیات (ص ۱۹) بدینگونه آمده: «چراست که مورچه ناقص است اندر حس بصر و اندر حس شم بغایت افراط است؟»

اغراض السیاسة (ص ۲۱۱): «از بختیشوع سؤال کرد: چراست که نیلوفر به شب در روشنی چراغ سرخ نماید و به روشنایی روز بنفسجی؟» ر ش: قراضه طبیعیات (ص ۴۰)

منابع:

- اغراض السیاسة فی اغراض الریاسة محمدبن علی الظهیری الکاتب السمرقندی، دکتر جعفر شعار، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۹ خورشیدی.
- قراضه طبیعیات، منسوب به ابن سینا، دکتر غلامحسین صدیقی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۴ خورشیدی (افست چاپ انجمن آثار ملی).

پی نوشت:

۱. در چاپ: «+ و».

